



فلسفه اسلامی توانست در برابر الحاد بایستد/ خدمات مرحوم علامه طباطبایی به حوزه

رئیس مؤسسه معارف وحی و خرد با اشاره به اینکه این زبان فلسفه بود که توانست در برابر جبهه الحاد بایستد، گفت: در همان دوره علامه طباطبایی، ایشان آن کسی بود که توانست نهضت خطرناک کمونیسم و مارکسیسم و حزب توده را در ایران خاموش کند و مانند سد آهنین در برابر آنها با کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم خود ایستاد.

رئیس مؤسسه معارف وحی و خرد با اشاره به اینکه این زبان فلسفه بود که توانست در برابر جبهه الحاد بایستد، گفت: در همان دوره علامه طباطبایی، ایشان آن کسی بود که توانست نهضت خطرناک کمونیسم و مارکسیسم و حزب توده را در ایران خاموش کند و مانند سد آهنین در برابر آنها با کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم خود ایستاد.

به گزارش خبرگزاری مهر، نسبت فلسفه و ایمان در تاریخ فلسفه اسلامی مورد توجه بوده است. غزالی با خود فلسفه مخالفی نداشت ولی معتقد بود که فلسفه باعث تضعیف ایمان می شود.

حجت الاسلام "علی نصیری" رئیس مؤسسه معارف وحی در مورد اینکه آیا روح پرشگری با روح اطاعت و ایمان در تضاد است یا خیر به خبرنگار مهر گفت: اولین مسئله ای که باید مورد توجه قرار بگیرد نسبت فلسفه با ایمان یا با دین است. در اینجا نظرات مختلفی وجود دارد. برای مثال نظریه برتراند راسل که معتقد است فلسفه یک چیزی میان علم و ایمان است. وی فلسفه را حد وسط می داند. فلاسفه اسلامی هم فلسفه را عین دین می دانند و به این همانی معتقد هستند. مخالفان فلسفه در گذشته و عصرهای میانی و در دوره ما به نزاع و ستیز و تعارض فلسفه و دین معتقد هستند می گویند دین یک راهی می رود و فلسفه راه دیگری می رود.

وی افزود: نظریه دیگر نظریه همصدایی و همگرایی است. یعنی نمی توانیم موضوع و مسائل و اهداف و اغراض دین را عین موضوع، مسائل، اهداف و اغراض فلسفه بدانیم. ولی میان اینها یک نوع همگرایی و همصدایی وجود دارد، نظیر آنچه که درباره علم و دین گفته می شود. فارغ از این قصه اگر به تاریخ تحولات فکری و فلسفی برگردیم مرتبط به جهان اسلام که از دوره کندی تفکر فلسفی شروع می شود و ورودش به جهان اسلام به صورت مدون و دقیق تا دوره ما با همه فراز و نشیبی که دارد باید چند نکته را مورد توجه قرار داد.

رئیس مؤسسه معارف وحی و خرد تصریح کرد: یک نکته اینکه فلاسفه مسلمان بر عکس آنچه که در تاریخ فلسفه غرب می بینیم حقیقتاً کوشیدند که یک جهان شناخت عقلی و فلسفی از دین و آموزه های دینی ارائه دهند درواقع بر قامت دین لباس فلسفه و عقل بیوشانند. تعبیری که مرحوم مظفر در مقدمه اسفار درباره دفاع از کارکرد و تلاش ملاصدرا می آورد می گوید اگر شما به تفسیر ملاصدرا مراجعه کنید گویا به فلسفه رنگ قرآنی می بخشد و وقتی به فلسفه اش برگردیم گویا به قرآن رنگ فلسفی بخشیده است.

نصیری اظهار کرد: به هر حال تلاشی که فلاسفه ما کردند این بوده که بیایند و تمام آموزه های دین را که تا دوره آنها و حتی بعد از آن بیشتر رنگ و بوی نقل داشته و بر اساس ایمان گرایی مبتنی بوده و بحث پرسش و تفکر و تأمل از نظر آنها یک مقدار حداقل در محیط های عامیانه اش کمتر مورد توجه بوده، رنگ و بوی عقلانیت و تفکر فلسفی ببخشند. در این مورد تلاشهای زیادی کردند به گونه ای که عده ای گفتند حتی کلام اسلامی به یک نوعی سر از فلسفه اسلامی درآورده است. در این جهت به یک معنا می شود گفت چنان افراط هایی انجام گرفت که خیلی ها معتقدند دیدگاه ها و نگره های فلسفی بر آموزه های دینی تحمیل شد.

وی افزود: غزالی در تهافت الفلاسفه 20 خطای فلاسفه را مورد توجه قرار داده و معتقد است که در 3 تای آنها که بحث قدمت عالم و بحث علم الهی و بحث معاد است قائل به تکفیر فلاسفه شده است. گفته که به طور کلی اینها با دین فاصله گرفته اند. با حذف آنچه که غزالی می گوید اگر اینها را کنار بگذاریم و آن دیدگاه های تند و افراطی که در ارتباط با فلسفه و فلاسفه وجود داشت چه در دوره کنونی هم وجود دارد باید این مسئله را مورد توجه قرار دهیم که در میان فلاسفه ما انسانهای بسیار متعبد و متدین و مومن و پاکباخته ای بودند که واقعاً بی انصافی است که اینها را مورد این همه هجوم بعضی ها قرار داد. خود صدرالمتألهین 9 بار با پای پیاده به زیارت کعبه رفت و در سفر آخر هم جان باخت.

این محقق و پژوهشگر حوزه علوم اسلامی یادآور شد: در دو شب متوالی گذشته در قم در منزل علامه طباطبایی اساتید تفسیر حضور یافتند در شب اول آیت الله مکارم و آیت الله سبحانی و در شب دوم آیت الله جوادی آملی در تمجید و تفکر و روش ایشان و خدمتی که به حوزه کردند صحبت کردند. با کمال تأسف وقتی از جلسه شب دوم خارج می شدیم دیدیم که یکسری جزواتی در آنجا پخش شد که یک بزرگواری که سخنگوی یک طیف فکری است در آن جزوه به بدایه الحکمه و نهایه الحکمه علامه حمله کرده است و نسبت های خیلی تند و تلخی درباره علامه بیان کرده است حتی آرای بعضی از فقها را مثل آیت الله مکارم و آیت الله سبحانی که در همین جلسه از علامه دفاع کردند علیه تفکرات علامه آورده بود. من به عنوان یک طلبه خرد و ناچیز می توانم این مسئله را بپذیرم که بعضی از تفکرات فلسفی یعنی تلاشهایی که فلاسفه انجام دادند نمی توان گفت صددرصد منطبق بر دین است بالاخره مسئله قدمت عالم و علم الهی به جزئیات تعلق نمی گیرد و اینکه معاد را مثالی تعریف کنند چیزی شبیه معاد روحانی و معاد جسمانی، اینها را متون دینی نمی پذیرد. وقتی که مرحوم شیخ محمد تقی آملی یکی از

برجسته ترین فلاسفه معاصر در شرح منظومه به صراحت اعلام کند که شهادت می دهم که این معادی که در فلسفه بیان شده دقیقاً معاد قرآنی نیست به هر حال قابل توجه است.

نصیری تصریح کرد: البته محمدرضا حکیمی متفکر برجسته معاصر در معاد جسمانی تأکید می کند که ملاصدرا از این نظریه خود برگشته و پذیرفته که معاد درست همان معاد روحانی و جسمانی قرآنی است. به هر حال نمی توانیم انکار کنیم که بعضی از لغزشها در فلسفه راه یافته است. یعنی قاعده وحدت، سنخیت، علت و معلول که لزوماً بیاید رابطه جهان را با خداوند یک رابطه سنخیت و از این همانی مطرح کند یا قاعده الواحد لا یصدر عنه الا الواحد لزوماً رابطه عالم را بر مدار وحدت بگرداند و بگوید باید حتماً یک صادر اول درست کنیم برای اینکه مثلاً رابطه وحدت خدایی با کثرت عالم را ناسازگار بدانیم یک جورایی دست خدا را ببندیم. برخی از مبانی فلسفه به اندازه عقل و فهم ما با متون دینی سازگاری ندارند اما اینکه فلاسفه ما این حرفها را زدند متدین و مومن و متعبد بودند نیتشان خیر بوده می خواستند مبانی دینی را مدلل و عقلانی کنند در محیط های دانشگاهی و فکری در داخل و خارجه جهان اسلام منعکس کنند تردیدی نباید کرد.

رئیس مؤسسه معارف وحی و خرد تصریح کرد: بنابراین نهایت چیزی که درباره فلاسفه اسلامی باید گفت این است که اینها یک مقداری از فلسفه افراطی عمل کردند و شاید جنبه تطبیق اشان ناخواسته به تحمیل گرائیده شد. مثل لغزش ناخواسته فلاسفه دیگر در رمینه های دیگر. اما اینکه اینها را با بی مهری هایمان برانیم و آنها را به تهمت های ناصواب بزنیم و مطالبی درباره آنها چه در دوره حیاتشان چه مماتشان مطرح کنیم این برخوردها ناصواب و خلاف آموزه های دینی و اخلاقی است.

نصیری اظهار کرد: به نحوی که بی توجهی به همه خدماتشان است یعنی مثلاً بگوییم کارشان 20 درصد لغزش و خطا بوده و 80 درصد خدمت بوده بی انصافی است که 80 درصد خدمت را به خاطر 20 درصد خطا در نظر بگیریم یا چشم از آنها ببوشانیم. بعلاوه اینکه باید توجه داشت فلسفه ضمن اینکه دفاع عقلانی از دین کرد آمد در برابر جبهه کفر ایستاد.

وی افزود: زبان فلسفه بود که توانست در برابر جبهه الحاد بایستد. در همان دوره علامه طباطبایی همانطوری که آیت الله جوادی آملی آنشب هم تأیید کردند ایشان آن کسی بود که توانست نهضت خطرناک کمونیسم و مارکسیسم و حزب توده را در ایران خاموش کند و مانند سد آهنین در برابر آنها با کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم خود ایستادگی کند.